



کثیریان: این را بگوییم که انجمن ۵۰۰ عضو دارد اما در برج میلاد ۲ هزار نفر فیلم می بینند. آن دو هزار نفر چه کسانی هستند؟ ما در انجمن لیست می دادیم اما بقیه چه کسی هستند؟ این یعنی مرجع نقد با همه خطاها پیش یک چهارم کارت می دهد و مجله ای داشتیم که نصف انجمن اسم می داد. انجمن هیچ وقت تا ۳۰۰ اسم نداده است. ما هم حتما انتقاد داریم به تعداد عضویت انجمن اما این بخش را هم باید دید.

چه باید بگوییم.

گبرلو: کار به جایی رسید که من خجالت می کشیدم در نشست پرسش و پاسخ فیلم ها حضور پیدا کنم.

کثیریان: حالا ما هی به منتقدها گیر می دهیم مگر آن ها که فیلم می سازند فیلم سازند؟ این ها با هم متناسب اند. این را هم بگوییم که آدم ها باید برای حرف های بدون سند هزینه بدهند. به هر حال اگر بدانی از حقت دفاع می شود من نمی روم دستگاه قضایی اما واقعیت این است که نمی شود.

شما آیا فکر می کردید که نامه ای که نوشتید این اندازه باز خورد داشته باشد؟ آیا پیش بینی می کردید؟ و اینکه چرا این میزان باز خورد داشت؟

گبرلو: نه، من پیش بینی نمی کردم. اما خودم چون به این تحلیل رسیده بودم به عنوان یک روزنامه نگار که باید پیشرو باشد نامه را نوشتم و از باز خود آن خوشحالم که نشان می دهد بسیاری جدی بوده است. من از همه اقشار پیام دریافت کردم و بویژه از مخاطبان. نکته بسیار مهم این است که برخی دوستان منتقد احساس کردند من در مقابل آن ها گارد گرفتم اما برعکس، من تلاش کردم از روزنامه نگاران و منتقدان صیانت کنم. آن هایی باید بترسند که خطا کار هستند. آن هایی باید بترسند که کاسب کارند. هر کس هر کجا که هست باید خودش را در مرکز دنیا ببیند. من به عنوان روزنامه نگار باید این درک را داشته باشم و حساس هم باشم نسبت به اتفاقاتی که در حوالی رسانه می گذرد. و آن گاه باید آن چه را که فکر می کنم مستدل و علمی و درست است مطرح کنم.

کثیریان: من قبل از اینکه به این سوال پاسخ بدهم یک گریز بزنم به سوال پیشین درباره تربیت منتقدان حرفه ای؛ من در دورانی که در انجمن بودم دیدم ما جشن بر گزار می کنیم و جایزه هم می دهیم. مثلا به صدا و فیلم بر داری رای می دهیم اما آیا سواد و شناخت کافی داریم؟ آقای دلپاک صدا را بهتر می فهمد یا من؟ بعد من باید آقای دلپاک را داوری کنم؟ من آمدم و کار گاه صدا گذاشتم با حضور نظام کیایی. از ۵۰۰ نفر ۱۵ نفر آمدند. آقای اثباتی طراحی صحنه درس داد اما استقبالی که از آن می شد بسیار کم بود. یعنی میل به آموزش دیدن هم باید وجود داشته باشد. آقای کیایی کجا می آید به منتقد صدا درس بدهد؟ ما او را آوردیم و کار گاه بر گزار کردیم. پس کلاس بر گزار شد اما استقبال نشد و به تعطیلی رسید. باز خورد لازم به دست نیامد. اما این را عرض کنم که در دوره های مختلف این حملات را داشتیم. یک تهیه کننده ای گفته منتقد خوردنی است یا پوشیدنی؟ شما باید اعتبار این انجمن یا حرفه را بالا ببری تا طرف با افتخار بگویی من عضو این انجمن هستم. این ها همه به هم متصل است و باید همه دوایر را ببینی.

بررسی کرده ام، دو نهاد بالقوه وجود دارند: یکی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، و دیگری نهادهای نظارتی حاکمیتی که می توانند بر رسانه های سینمایی نظارت داشته باشند. اما در عمل، هیچ کدام نقش مؤثر و تعیین کننده ای ایفا نمی کنند. با این حال ما باید یک جریان مسموم را علنی کنیم.

خروجی ۲ هزار نفری که برای جشنواره کارت می گیرند برای کمک به جشنواره چقدر است؟

گبرلو: هیچ؛ دو درصد اما باید ۷۰ درصد باشد.

کثیریان: این را بگوییم که انجمن ۵۰۰ عضو دارد اما در برج میلاد ۲ هزار نفر فیلم می بینند. آن دو هزار نفر چه کسانی هستند؟ ما در انجمن لیست می دادیم اما بقیه چه کسی هستند؟ این یعنی مرجع نقد با همه خطاهایش یک چهارم کارت می دهد و مجله ای داشتیم که نصف انجمن اسم می داد. انجمن هیچ وقت تا ۳۰۰ اسم نداده است. ما هم حتما انتقاد داریم به تعداد عضویت انجمن اما این بخش را هم باید دید. همین باعث شد بچه های منتقد کمتر می رفتند کاخ جشنواره و سوال ها هم آن قدر بی ربط و گاهی خجالت آور بود که نمی دانستی

می دادند.

گبرلو: صیانت از نقد یک ضرورت است، نه یک انتخاب. اگر این اتفاق نیفتد، نه فیلم ساز از نقد می آموزد و نه مخاطب به آن اعتماد می کند. انجمن باید یک کمیته صیانت از نقد ایجاد کند.

کثیریان: ضمن اینکه در سال ۱۴۰۰ انجمن جدید ایجاد شد و دوباره عضو گرفت. این ها چرا این قدر عضو گرفتند؟ نکته دوم کمیته صیانت است که آقای گبرلو مطرح کرد. کمیته صیانت برای شاکای و متشاکای است. اینجا کسی شاکای نیست. سؤال این است که آیا انجمن منتقدان می تواند یا باید چنین نقشی را ایفا کند؟ اساسا این نهاد چه ظرفیتی برای سامان دهی وضعیت موجود دارد؟

گبرلو: من فی البداهه دارم راهکار می دهم برای جلوگیری از آسیب. این ها جای پرداخت دارد. باید تشکیلاتی ایجاد شود که اگر منتقد منصف مورد هجمه قرار گرفت از او حمایت شود. دو افشاگری باعث می شود کسی به منتقد توهین نکند و برعکس. نقد، اگر کار کرد نداشته باشد، فقط تبدیل می شود به سروصدا؛ به یک جریان پرهیاهو اما بی اثر. تشکیلات متولی نقد در کشور یا اساسا غیر فعال است یا ابزار اجرایی ندارد. من تا جایی که